

ویژگی های بینشی شخصیت سالم از دیدگاه آیات و روایات

فاطمه منصوری زاده^۱

چکیده

بینش فهمی است که فرد را در حل مسئله یاری می‌کند. انسان برای داشتن یک شخصیت سالم نیازمند استفاده از عقل است. زیربنای عقل نگرش و بینش انسان نسبت به خود، مبدا و هستی می‌باشد البته در بین ادیان، افرادی مخالف استفاده از عقل هستند. ولی انسان برای رسیدن به کمال و سعادت نیازمند داشتن یک شخصیت سالم است تا از تعصبات کور، جهل و عوام زدگی در طول زمان‌ها دور بماند. هدف از انجام تحقیق بررسی ویژگی های بینشی شخصیت سالم از دیدگاه آیات و روایات می‌باشد. روش انجام کار در این تحقیق به صورت توصیفی است و به شیوه کتابخانه‌ای مطالب گردآوری شده است. بنابراین در مقاله حاضر به ویژگی های بینشی شخصیت سالم (شناخت مبدا، جهان هستی و خود) پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: ویژگی بینشی، شخصیت سالم، شناخت، نگرش

مقدمه

یکی از مسائل مطرح شده در قرآن کریم و روایات معصومین، بحث از شخصیت سالم است. شخصیت سالم در آیات متعددی بیان شده و به معنای استفاده از عقل در دو بعد نگرش و بینش مورد توجه قرار گرفته است.

اما آنچه در ابعاد مافوق مهم می‌باشد بعد بینشی است که به استفاده از عقل در شناخت انسان نسبت به مبدا، جهان هستی و بینش انسان نسبت به خود می‌باشد طبق آیه قرآن (قَالَ رَبَّنَا الَّذِي اَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى).^۲ (گفت پروردگار ما کسی است که به هر چیزی، آفرینش در خود او عطا کرده، سپس راهنمایی نموده است) همچنین بر اساس آیات و روایات ویژگی های بینشی شخصیت سالم به ۳ مبحث تقسیم می‌شود که شامل: خودشناسی، مبدا شناسی و جهان شناسی می‌باشد. انسان برای داشتن عواطف و احساسات درست نیاز به آگاهی عواطف درست دارد. نگرش انسان از بعد عاطفی که آگاهی فرد را افزایش می‌دهد شامل مواردی از جمله: اعتدال، عدم خشونت، عدم حسادت، راضی به قضای الهی و... می‌باشد.

از طرفی هر انسانی زمان محدودی را در دنیا می‌گذراند تا بر اساس زندگی دنیوی خود زندگی ابدی خود را رقم بزند. حال مهم است زندگی دنیوی خود را چگونه سپری کرده است! بر اساس متون دینی فرد در درجه ی اول باید علم و آگاهی خود را افزایش دهد تا بتواند بینش درستی به عالم هستی خود و... داشته باشد، و راه درستی را انتخاب کند، که سرانجام آن راه رسیدن به زندگی پر از آرامش و آسایش در آخرت باشد. در این تحقیق سعی بر آن شده است تا ویژگی های بینشی لازم برای داشتن یک شخصیت سالم مورد بررسی

۱. طلبه سطح دو، حوزه علمیه فاطمیه (سلام الله علیه) زرنند

۲. سوره طه، آیه ۵۰

قرار گرفته شود. هدف از انجام تحقیق، شناخت ویژگی های بینشی شخصیت سالم از دیدگاه آیات و روایات می باشد.

تحقیق حاضر در صدد پاسخگویی به سوالاتی از جمله:

بینش فرد نسبت به خود چگونه است؟

بینش فرد نسبت به جهان هستی چگونه است؟

بینش فرد نسبت به مبدا هستی چگونه است؟

روش صورت گرفته در انجام کار به صورت توصیفی و به شیوه ی کتابخانه ای به جمع آوری مطالب پرداخته شده است بعد مطالب تحلیل و بازنگری شده است و مباحث تکراری از آن حذف شده است. و در آخر به تدوین و نگارش مطالب اصلی پرداخته شده است.

در خصوص پیشینه علمی مقاله حاضر عنوانی مانند عنوان مقاله یافت نشد ولی به منابعی از جمله منابع ذیل می توان اشاره نمود:

۱. مقاله ی بررسی نگاه قرآن به شخصیت سالم و ویژگی های آن، نوشته ی سید محمد موسوی سال انتشار ۱۳۹۹ که در مقاله به ویژگی های کلی شخصیت سالم پرداخته است.

۲. مقاله ی بررسی شخصیت و ویژگی های شخصیت سالم از دیدگاه اسلام، نوشته ی آتنا اصفهانی خالقی سال انتشار ۱۳۹۴ این مقاله به تعریف شخصیت سالم یا شاکله آن از دیدگاه اسلام پرداخته است.

۳. نقش ایمان در سلامت روانی و شکل گیری شخصیت سالم بر اساس متون دینی و روان شناسی، نوشته ی ابوالقاسم بشیری سال انتشار ۱۳۹۶ هدف اصلی این مقاله تبیین چگونگی تاثیر ایمان در سلامت روانی و شکل گیری شخصیت سالم بر اساس متون دینی و روان شناسی است.

اما نو آوری تحقیق حاضر نسبت به مقالات دیگر که مقاله حاضر به بررسی بینشی شخصیت سالم از دیدگاه آیات و روایات پرداخته است.

ساختار تحقیق: چکیده، مقدمه، ۱. مفاهیم شامل (ویژگی بینشی، شناخت، شخصیت سالم)، ۲. ویژگی های بینشی شخصیت سالم (۱-۲. شناخت و ایمان به مبدا شامل: ربوبیت، حکمت، علم، حاکمیت، قدرت، وفای به عهد و... ۲-۲. شناخت نسبت به جهان هستی شامل: هدف دار بودن جهان، ناپایداری دنیا، تسلیم قضای الهی ۲-۳. شناخت نسبت به خود شامل: شناخت استعداد خویش، به خلیفه بودن خود ایمان دارد، اندیشین به مرگ و...)، نتیجه، منابع و مآخذ.

۱-۱. شخصیت سالم:

شخصیت در لغت به معنای شرافت، رفعت، بزرگواری، مرتبه، درجه، ملاطفت و نجابت می باشد.^۱ شخصیت در اصطلاح به معنای شخصیت حقوقی می باشد.^۲ و در اصطلاح روانشناسی، شخصیت به مجموعه ای از ویژگی ها، الگوهای رفتاری، افکار، احساسات، یک فرد اطلاق می شود که وی را از سایرین متمایز می سازد. این الگو، استمراری، که از رفتارها، عقاید و احساسات افراد سرچشمه می گیرد شخصیت را شکل می دهد و در طول زمان نسبتاً طولانی نیز ثابت باقی می ماند.

سالم: درست و پوست میان بینی و چشم و به اصطلاح نحو کلمه ای که فا و عین و لام آن از حروف علت نباشد و با اصطلاح عروض: زکنی از ارکان بحر که در آن زحاف نبوده باشد و نیز سالم از اعلام است. || [صفت فارسی] - مأخوذ از تازی - محفوظ و صحیح و بی عیب و علت و بی رنج و بی درد و تندرست و سلامت و درست و کامل و محفوظ ماندن و اذیت ندیدن.^۳

به فردی که از نظر روانی و جسمانی در مسیر رشد و تعالی باشد و در راه رشد و پیشرفت و استفاده از توانایی ها و استعدادهايش قرار داشته و به نقاط ضعف و قوت و موانع رشد خود آگاه باشد، می توان عبارت شخصیت سالم را اطلاق کرد.

۱-۲. ویژگی بینشی:

همچنین ویژگی در لغت (حامص) خصوصیت، خصلت، خلوص، پاکی، بی عیبی، بی غشی^۴ بینش [ان] (امص) اسم مصدر از دیدن. قدرت دید. بینایی. بصارت. (بصیرت درک اشیا. قدرت ادراک و دریافت. بصیرت. نگاه کردن. دیدن. بینندگی. رؤیت. نظر. نگاه.) (ا) دیده. بصر. باصره.^۵ و همچنین بینش در لغت به معنای معروف، و گاهی به معنای چشم نیز استفاده می شود.^۶

۱. نفیسی، فرهنگ نفیسی، جلد ۳، صفحه ۲۰۲

۲. هاشمی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم السلام) جلد ۴، صفحه ۶۳۳

۳. نفیسی، فرهنگ نفیسی، ج ۳، ص ۱۲۸۱

۴. دهخدا، لغت نامه دهخدا، جلد ۲، صفحه ۳۱۴۶

۵. دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۱، ص ۲۲۵

۶. حسینی، فرهنگ رشیدی، جلد ۱، صفحه ۳۷۶

بینش در روانشناسی فهمی از خود و روابط با دیگران است که تجربه‌های پیشین را روشن یا فرد را در حل مسئله‌ای یاری می‌کند.^۱

۱-۳. شناخت:

شناخت (مص مرخم، امص) معرفت، علم، آگاهی، شناسایی، آشنایی، شناختن، (صم مرخم) شناخته، شناخته شده.^۲

و در اصطلاح به عمل یا فرایند به دست آوردن دانش و مفهوم از طریق تفکر، تجربه و حواس گفته می‌شود که از هنگام تولد شروع شده و باعث درک و ارتباط معانی جهان پیرامون می‌شود. در واقع، شناخت، ارتباط ناخودآگاه و جهان پیرامون است و معانی گوناگونی را در زمینه‌های گوناگون به خود اختصاص داده است. در علم روان‌شناسی منظور از شناخت، عملکردهای روان‌شناختی فرد است.^۳

۲. ویژگی بینشی شخصیت سالم:

هر انسانی نیازمند شناخت نسبت به خود، جهان اطراف، مبدأ هستی است و شاید بتوان گفت که بزرگ‌ترین دغدغه همه ی دانشمندان از آغاز جهان هستی تاکنون در سه مبحث بوده است؛ «بدایت، هدایت و نهایت.» از منظر قرآن کریم، انسان دارای شخصیت سالم، نگاه و دیدگاهی توحیدی به نظام هستی دارد و آن را دارای خالق دانا، تولنا، حکیم، و قبلل اتکال می‌داند؛ از این‌رو به، آرامش باطنی دست می‌یابد و می‌داند که همه امور آفرینش در دست قدرت الهی است. در مقابل، انسان‌هایی قرار دارند که نگاهی منافقانه، شرک‌آلود یا کفر آلود دارند. افرادی که یا دچار تعدد شخصیت‌اند یا عمق نگاهشان محدود و سطحی است. در اولین مرحله برای شناخت صحیح به مبحث مبدا شناسی می‌پردازیم.

۲-۱. شناخت نسبت به مبدا:

۲-۱-۱. شناخت نسبت به ربوبیت خداوند؛

مراد از توحید در ربوبیت آن است که نظام این جهان، که شامل مجموعه پدیده‌های بی شمار گذشته و حال و آینده است، تحت تدبیر حکیمانه یک پروردگار عالم اداره می‌شود.^۴ ربوبیت الهی از اصول دین و از ضروریات ادیان آسمانی است و انکار آن موجب کفر است و بر این اساس، شریک قرار دادن کسی در این صفت خداوند شرک شمرده می‌شود. گفته شده که محور درگیری و مخالفت مشرکان با پیامبران (علیهم السلام) در طول تاریخ، ربوبیت الهی بوده است، نه خالقیت؛ به عنوان مثال نمرود و فرعون گرچه ادعای ربوبیت داشته‌اند، ولی خالقیت

۱. میرشکاری، فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، (ذیل سرواژه بینش) صفحه ۷۸

۲. دهخدا، لغت نامه دهخدا، جلد ۲، صفحه ۱۸۴۲

۳. میرشکاری، فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، (ذیل سرواژه شناخت) صفحه ۲۵۹

۴. مصباح یزدی، آموزش فلسفه، جلد ۲، صفحه ۳۸۹

خداوند را می پذیرفته اند. آیات و روایات متعددی به ربوبیت خدا پرداخته است. برخی از این آیات عبارتند از: (قُلْ أَغْيَرُ اللَّهِ أَبْغَى رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ)^۱

(بگو: آیا جز خدا پروردگاری بجویم در حالی که او پروردگار هر چیزی است؟! و هیچ کس جز به زیان خود [عمل زشتی] مرتکب نمی شود، و هیچ سنگین باری بار گناه دیگری را بر نمی دارد؛ سپس بازگشت همه شما به سوی پروردگارتان خواهد بود، پس شما را به [حقانیت] آنچه درباره آن [با مردم مؤمن] اختلاف می کردید، آگاه می کند.)

(فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ)^۲

(پس برتر است خدا آن فرمانروای حق [از آنکه کارش بیهوده و عبث باشد]، هیچ معبودی جز او نیست، [او] پروردگار عرش نیکو و باارزش است.)

باز در آیه دیگر آمده است: (قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ)^۳

(بگو: کیست که شما را از آسمان و زمین روزی می دهد؟ یا کیست که بر گوش ها و چشم ها مالکیت و حکومت دارد؟ و کیست که زنده را از مرده، و مرده را از زنده بیرون می آورد؟ و کیست که همواره امور [جهان هستی] را تدبیر می کند؟ به زودی خواهند گفت: خدا! پس بگو: آیا [از پرستش غیر او] نمی پرهیزید؟)

بنابر این فرد دارای شخصیت سالم باید رب جهان را تنها خداوند باری تعالی بداند و بر اساس شناخت خود نسبت به خداوند تنها خداوند را تدبیرکننده امور انسان ها بداند، و کسی را در ربوبیت خداوند شریک قرار ندهد.

۲-۱-۲. شناخت نسبت به حکمت خداوند؛

«حکیم»، از صفات خداوند است^۴ و اطلاق آن بر پروردگار به دلیل علم او به حقایق اشیا و پدیدآوردن آنها در کمال استواری است.^۵ لفظ «حکیم» در قرآن کریم نود و هفت بار آمده است

۱. سوره انعام، آیه ۱۶۴

۲. سوره مومنون، آیه ۱۱۶

۳. سوره یونس، آیه ۳۱

۴. ابوالقاسم، روح الارواح فی شرح اسماء الملک الفتاح، ص ۳۹۸؛ (طوسی، التبیان، ج ۱، ص ۱۴۲)؛ (طبرسی، مجمع البیان، ج ۲-۱، ص ۱۸۳)

۵. راغب اصفهانی، مفردات، ص ۲۴۹، «حکم»

فرد دارای شخصیت سالم باید با اعتقاد به ملاقات الهی اعمال خودش را سامان ببخشد تا ملاقاتی ناب با خداوند داشته باشد.

۲-۳-۴. مرگ‌اندیش:

در تعالیم دینی ما، مرگ همزاد و هم نفس آدمی است. هر دمی که فرو می‌بریم گرچه با آن زندگی خود را تأمین می‌کنیم، در عین حال با آن گامی به سوی مرگ برمی‌داریم «نفس المراء، خطاه الی اجله»^۱

(هر نفس انسان، گاهی به سوی مرگ است.)

مرگ و زندگی هر دو آفریده خداوند هستند و ابزاری برای آزمون کردار آدمی چنانچه قرآن می‌فرماید: «(الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ)^۲

(آنکه مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید، و او توانای شکست ناپذیر و بسیار آمرزنده است.)

قرآن مرگ‌اندیشی را زمینه‌ای برای درک عظمت و قدرت خداوند و زمینه ساز سعادت جاوید می‌داند. انسان طبیعتاً برتری طلب و جاودانگی خواه و خودکامه است و اگر سه چیز در زندگی او نبود، هیچ چیز او را رام نمی‌ساخت: بیماری، فقر و مرگ.^۳ مرگ، واقعی‌ترین واقعیت هاست، گرچه بیشترین تردیدها را درباره‌ی همین مرگ داریم و هیچ کس در حقیقتی همچون مرگ تردید نمی‌کند.^۴ همین تردید نسبت به مرگ است که عامل گردن‌کشی و از خدا دور شدن به شمار می‌رود. تنها راه درمان سرکشی آدمی، آن است که همواره بداند خواهد مرد و این واقعیت را باور کند که «انک میت و انهم میتون»^۵ اگر انسان به یاد مرگ باشد، از بسیاری و بلکه همه‌ی بدکاری‌ها باز خواهد ایستاد. لذا به یاد مرگ بودن در نظام دینی ما ارزشی والا است و نشانه‌ی ایمان و خدا‌باوری انسان.

رهایی از مرگ وجود ندارد و مرگ همه موجودات را در بر می‌گیرد چنانچه خداوند می‌فرماید: (أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ وَإِنْ تُصِيبَهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِيبَهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ فَمَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا)^۶

۱. نهج البلاغه، حکمت ۷۴

۲. سوره ملک، آیه ۲

۳. شیخ صدوق، خصال، جلد ۱، باب الثلاثه

۴. محمدی، میزان الحکمه، جلد ۴، صفحه ۲۹۵۶.

۵. سوره زمر، آیه ۳۰.

۶. سوره نساء، آیه ۷۸

(هر کجا باشید هر چند در قلعه های مرتفع و استوار، مرگ شما را درمی یابد. و اگر خیری [چون پیروزی و غنیمت] به آنان [که سست ایمان و منافق اند] برسد، می گویند: این از سوی خداست. و اگر سختی و حادثه ای [چون بیماری، تنگدستی، شکست و ناکامی] به آنان رسد [به پیامبر اسلام] می گویند: از ناحیه توست. بگو: همه اینها از سوی خداست. این گروه را چه شده که نمی خواهند [معارف الهیه و حقایق را] بفهمند؟!)

و در عین حال که مرگ اندیش است باید به رحمت و مغفرت خداوند اعتقاد و اعتماد داشته باشد چنانچه خداوند در قرآن کریم می فرماید؛ (وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مِتُّمْ لَمَغْفِرَةً مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةً خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ)^۱

(و اگر در راه خدا شهید شوید یا بمیرید، یقیناً آمرزش و رحمتی از سوی خدا، بهتر است از آنچه [آنان از مال و منال دنیا] جمع می کنند.)

بنابراین فرد دارای شخصیت سالم باید مرگ اندیش باشد و بداند مرگ در هر حالی و هر مکانی او را در بر میگیرد. و در عین حال، باید به بخشنده‌گی و رحمت خداوند اعتماد داشته باشد.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر به منظور بررسی ویژگی‌های بینشی شخصیت سالم از دیدگاه آیات و روایات انجام شده است. اولین نتیجه‌ای که از پژوهش حاضر به دست آمده: معنای شخصیت سالم، ویژگی‌های بینشی و شناخت است که به معنی شرافت، رفعت، بزرگواری، نجابت و خصلت انسان در نگاه و آگاهی می باشد. دومین نتیجه‌ای که از یافته‌های این پژوهش به دست آمده شناخت نسبت به مبدا می باشد، که خداوند در قرآن کریم آیات بسیاری در این باره بیان نموده است که مهم ترین آنها شناخت نسبت به ربوبیت خداوند: یعنی تنها رب جهان خداوند است و تنها او تدبیر کننده امور انسان‌ها است. شناخت نسبت به حکمت خداوند: یعنی خداوند حکیم است و هیچ فعلی را بدون حکمت و هدف انجام نمی‌دهد. شناخت نسبت به قدرت و بخشنده‌گی خداوند: یعنی تمام اتفاقات و امور روزمره در قدرت الهی قرار دارند و بدون اذن الهی هیچ امری محقق نمی‌شود. و شناخت نسبت به توکل به خداوند: یعنی انسان در تمامی امور باید به خداوند توکل کند تا بتواند

^۱. سوره آل عمران، آیه ۵۷

در ناملایمات زندگی به مسیر خود ادامه دهد تا شکست نخورد. سومین نتیجه به دست آمده شناخت نسبت به جهان هستی، که شامل هدفدار بودن جهان هستی ناپایداری دنیا و تسلیم بودن در برابر قضای الهی می‌باشد، و آخرین نتیجه به دست آمده از یافته‌های این مقاله شناخت نسبت به خود می‌باشد، به معنی شناخت استعداد های خود، شناخت جایگاه انسان به عنوان خلیفه الهی بر روی، ایمان به ملاقات الهی و مرگ اندیشی می‌باشد.

منبع و مآخذ

۱. قرآن کریم، انصاریان، حسین، تهران، ۱۳۹۶
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، توحید، چاپ قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، خصال، چاپ اول، جلد ۱، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲
۴. ابوالحسن محمد (سید رضی)، نهج البلاغه، چاپ پنجم، قم، موسسه دار الهجره، ۱۳۷۳هـ.
۵. انصاریان، حسین، صحیفه سجاده، چاپ بیست و هفتم، تهران، پیام آزادی، ۱۳۸۹
۶. حسینی، رشید بن عبدالغفور، فرهنگ رشیدی، چاپ اول، جلد ۱، تهران، انتشارات مهرگان، ۱۳۳۷
۷. حسینی، محمد، تفسیر اهل بیت علیهم، چاپ اول، جلد ۸، قم، انتشارات مطیع، ۱۳۹۹
۸. خمینی، روح‌الله، الطلب و الاراده، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹
۹. خمینی، روح‌الله، تقریرات فلسفه امام خمینی، جلد ۲، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵.

۱۰. خمینی، روح‌الله، تقریرات فلسفه امام خمینی، ج ۳، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵
۱۱. خمینی، روح‌الله، دانشنامه امام خمینی، ج ۸، ص ۱۴۰، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۰۰ .
۱۲. خمینی، روح‌الله، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸
۱۳. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، چاپ دوم، جلد ۲، تهران، روزنه-مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات، چاپ اول، بیروت-لبنان، دار الشامیه، ۱۴۱۲ قمری
۱۵. شهاب الدین، ابوالقاسم، روح الارواح فی شرح اسماء الملک الفتاح، چاپ دوم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، جلد ۱، تهران، فراهانی، ۱۳۵۲
۱۷. طوسی، خواجه نصیرالدین، التبیان، جلد ۱، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۷۱
۱۸. طوسی، خواجه نصیرالدین، اوصاف الاشراف، چاپ دوم، قم، آیت اشراق، ۱۴۰۰
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، چاپ دوم، جلد ۲، تهران، دار الثقلین، ۱۳۹۱
۲۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، جلد ۱۴، بیروت، دار احیاء التراث العرب، ۱۴۴۰ قمری
۲۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، جلد ۷۴، بیروت، دار احیاء التراث العرب، ۱۴۴۰ قمری
۲۲. محمدی، محمد، میزان الحکمه، چاپ چهارم، جلد ۶، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، ۱۳۸۸
۲۳. محمدی، محمد، میزان الحکمه، چاپ چهارم، جلد ۱۰، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، ۱۳۸۸
۲۴. محمدی، محمد، میزان الحکمه، چاپ هفتم، جلد ۴، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، ۱۳۸۶
۲۵. محمدی، محمد، میزان الحکمه، چاپ هفتم، جلد ۱۳، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، ۱۳۸۶
۲۶. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش فلسفه، جلد ۱، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره)، ۱۳۹۱
۲۷. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، جلد ۱، تهران، مؤسسه انتشارات صدرا، ۱۳۹۶
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد ۱، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد ۱۵، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰

۳۰. میرشکاری، جواد، واژه های مصوب فرهنگستان، چاپ اول، جلد ۱، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۷

۳۱. نفیسی، علی اکبر، فرهنگ نفیسی، چاپ اول، جلد ۳، تهران، انتشارات خیام، ۱۳۴۳

۳۲. هاشمی، سید محمود، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم السلام)، چاپ دوم، جلد ۴، قم، موسسه دایره المعارف فقه اسلامی، ۱۳۹۸